

انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی - هنری (حق مؤلف) در فقه

امامیه و حقوق ایران

علی اکبر ایزدی فرد^۱احمدعلی محسنزاده^۲

چکیده

با بررسی مجموع مباحث مطروحه در خصوص مالکیت فکری از منظر فقه و حقوق اسلام، متوجه یک حقیقت غیر قابل انکار خواهیم شد و آن این که ورود بحث مالکیت فکری اساساً در حوزه مالکیت ادبی - هنری می‌باشد و شاید بتوان گفت طرح موضوع مالکیت فکری در فقه از اثر نوشته و مکتوب آغاز شد، اما این که انتقال این حقوق چگونه خواهد بود، همواره اذهان حقوقدانان و مرتبیین این عرصه را به خود معطوف داشته است. بنابراین در این مقاله به تجزیه و تحلیل انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه مالکیت ادبی - هنری از منظر فقه شیعه و حقوق ایران پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

اموال فکری، انتقال حقوق ادبی - هنری، مشروعیت

۱. استاد فقه و حقوق دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: ahmad.mohsenzadeh@gmail.com

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۹/۲۸

مقدمه

امروزه با توسعه روزافزون علوم و تکنولوژی و دستیابی انسان به پیشرفت‌های محیرالعقول علمی و تخصصی‌شدن رشته‌های مختلف علوم و به وجود آمدن شاخه‌های فراوان علمی و با توجه به ارزش اقتصادی پیدا کردن محصولات فکری، بحث مالکیت فکری آن چنان از رشد و بالندگی برخوردار گردیده که در دانشگاه‌های بسیاری از کشورها و از جمله دانشگاه‌های کشورم ان رشته تخصصی، ویژه حقوق مالکیت فکری ایجاد گردیده است و این پیشرفت‌ها نه تنها هیچ خللی بر ارکان این حقوق وارد نکرده، بلکه در یک تأثیر و تأثر متقابل به ارتقای هم کمک نموده‌اند. از یک طرف تکنولوژی‌های نوین موجب گسترش آثار ادبی - هنری شده و بالندگی این دست از آثار را در پی داشته و از سویی دیگر با رشد فرهنگ و آثار ادبی - هنری و نمایان شدن آثار اقتصادی ناشی از اموال فکری، موجبات توسعه تکنولوژی نیز فراهم گردیده است.

پرواضح است که عدم حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری موجب کندشدن حرکت نخبگان و فرهیختگان یک جامعه به سمت تولید فکر، ابداع و خلاقیت خواهد شد. این امر در کشورهایی که از حقوق صاحبان آثار فکری به صورت قانونمند حمایت نمی‌شود و یا اگر قانون وجود دارد از پشتوانه اجرایی برخوردار نمی‌باشد کاملاً محسوس است.

آنچه که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، دقیقاً همان است که امروزه به عنوان مالکیت فکری یا مالکیت معنوی از آن نام می‌برند. این مقاله درصدد آن است که با ذکر اجمالی معنا و مفهوم مالکیت فکری به این سؤال عمده و اساسی در خصوص این نوع از مالکیت و نیز حقوق مترتب بر آن البته در حوزه ادبی - هنری پاسخ گوید که آیا انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه مالکیت ادبی -

هنری از منظر فقه امامیه دارای مشروعیت می‌باشد؟ که البته پاسخ به این سؤال منوط به پاسخ‌گویی به سؤال دیگری است مبنی بر این‌که فقهای شیعه آیا اساساً این نوع از مالکیت را دارای اعتبار می‌دانند؟ ادله هر یک از مخالفان و موافقان مشروعیت چه می‌باشد؟ در ادامه پس از بیان نظر فقها، انتقال این اموال و کیفیت انتقال آن‌ها در حقوق ایران نیز مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد.

الف - مفهوم حقوق مالکیت ادبی و هنری

بنابر آنچه ذکر شد، مالکیت ادبی و هنری یکی از اقسام مالکیت فکری است. پس لازم است مفهوم مالکیت فکری در اینجا تبیین گردد. دکتر لنگرودی مالکیت فکری را موجد حق معنوی می‌داند و چنین می‌گوید «حقی است غیر از حق عینی و حق ذمی، از این رو که نه به عین و نه به ذمه تعلق می‌گیرد، بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی، مانند حق مؤلف و حق کار فکری.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳ ش.) در یک بیان دیگر مالکیت فکری را ناظر بر خلاقیت‌های مورد استفاده در تجارت و بازرگانی که شامل اختراعات، آثار ادبی و هنری، نشانه‌ها و علائم تجاری است دانسته‌اند. (رئیزی، ۱۳۸۸ ش.)

همچنین مالکیت فکری «به حقوقی که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۳ ش.) تعریف گردید. دکتر صفایی مالکیت فکری یا معنوی را حقوقی می‌داند که دارای ارزش اقتصادی و داد و ستد است ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست. (صفایی، ۱۳۹۰ ش.) بدین ترتیب می‌توان گفت مالکیت فکری حقوقی را برای خلق‌کنندگان و صاحبان آثار نسبت به آن آثار - که می‌توان از آن‌ها به عنوان محصولات فکری نام برد - ایجاد می‌کند که خالقان آثار می‌توانند از این حقوق به طور انحصاری بهره‌مند

شوند. بنابراین در تعریف مالکیت ادبی - هنری نیز می‌توان گفت «مالکیت ادبی عبارت است از حقی که برای مؤلف و مصنف نسبت به اثر خود شناخته‌شده اعم از این که جنبه علمی یا صرفاً ادبی داشته باشد و مالکیت هنری عبارت است از حق هنرمند نسبت به اثر خود او.» (زرکلام، ۱۳۸۸ ش.) به عبارت دیگر پدیدآورندگان و صاحبان آثار ادبی و هنری دارای همان حقوق مادی و معنوی هستند که در تعریف مالکیت فکری به طور کلی بیان گردید، لکن این حقوق به اقتضای خصوصیات و ماهیت خاص این آثار تعریف می‌گردد.

ب - مشروعیت انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی و هنری

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید بررسی کنیم آیا اساساً فقها آنچه که امروزه به عنوان اموال فکری شناخته می‌شود را مال می‌دانند و برای آن حقوقی قائل هستند و اگر حقوقی قائل هستند آیا این حقوق را شرعی می‌دانند؟

۱- مالیت داشتن حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی - هنری

امروز بحث از حقوق مالکیت ادبی - هنری در واقع بحث از گستره وسیعی از حقوق مربوط به آثار نوشتاری، تجسمی، شنیداری - دیداری، مانند رساله، مقاله، کتاب، نمایشنامه، شعر، سرود، ترانه، نقاشی، فرهنگ عامه، عکاسی، آثار سینمایی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و حقوق مربوط به مترجم، مؤلف و پدیدآورندگان آن می‌باشد. بدیهی است مال اطلاق نمودن و یا نفی مالیت از آن‌ها، آثار مهمی می‌تواند در پی داشته باشد. دکتر امامی در تعریف مال که آن را مفرد کلمه عربی اموال می‌داند، می‌گوید مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد و آن را شامل اموال مادی و غیر مادی و حق تألیف و حق تصنیف را از جمله اموال غیر مادی می‌داند.

(امامی، ۱۳۹۰ ش.) اساساً فقها مال را به چیزی اطلاق می‌کنند که برای آن ما به ازایی متصور باشد، اگرچه آیه یا روایتی صریح در تعریف مال نیامده، اما فقها تعاریفی از مال به دست داده‌اند. امام خمینی (ره) در تعریف مال آورده: «مال چیزی است که مورد رغبت عقلا و تقاضای آنان است و بهایی را در قبال آن می‌پردازند.» (خمینی، ۱۳۶۸ ش.)

اصولاً در اصطلاح فقها و علمای حقوق کلمه مال اطلاق می‌شود به آنچه قابل تملک است. ضابطه و قابلیت تملک، احتیاج بشر به انتفاع از موجودات خارجی در حیات اجتماعی و انفرادی است در مساکن، ملابس، مطائم و امثال آن از مایحتاج بشری؛ در این صورت مالیت وصف اعتباری است که منتزع از اعیان و موجودات خارجی قابل تملک می‌باشد و به اصطلاح حکیم از معقولات ثانویه است که عروض آن ذهنی و اتصافش در خارج می‌باشد، زیرا قوام آن به منشأ انتزاع آن است مثل ابوت و بنوت. بنابراین هر یک از این اعیان و موجودات خارجی که اختصاص به کسی پیدا می‌کند مال و ملک او می‌باشد و نسبت به آن سلطنت مالکانه دارد و می‌تواند هر گونه تصرف مالکانه در آن بنماید. به عبارت دیگر هر چیزی که در عالم به وجود آید به آن اطلاق شیء می‌شود و هر آن چیزی که در آن حیات اجتماعی و انفرادی بشر مورد احتیاج باشد به آن اطلاق مال می‌شود و از این جهت شیء اخص از مال است، لذا در فقه امامیه مال تعریف شده به چیزی که ارزش تجاری داشته و عقلا در مقابل آن بذل مال نمایند. اکثر مذاهب اسلامی و علمای حقوق از این تعریف و توضیحی که داده شد، تبعیت کرده‌اند. (جمالی، ۱۳۵۳ ش.)

در همین خصوص یکی دیگر از فقهای مشهور امامیه می‌گوید: «در عرف مالیت امریست که از اشیا به لحاظ آنکه ذاتاً مورد میل مردم واقع می‌شوند و برای

وقت نیاز، ذخیره می‌گردند و مردم در آن رغبت نموده و در مقابل آن، اشیای مورد علاقه خود چون پول و غیر آن را می‌پردازند، انتزاع می‌گردد.» (خویی، ۱۴۱۷ ق.) بنابراین ملاحظه می‌گردد که در تعریف فقها از مال علقه و رغبت انسان به شیء، یکی از ملاک‌های اصلی مال بودن آن شیء تلقی می‌شود و ملاک دیگر مال محسوب‌نمودن اشیا، این است که مردم در برابر آن ما به ازایی پرداخت نمایند. با این توصیفات که فقها از مال ارائه دادند و آن را امری اعتباری می‌دانند کاملاً مبرهن است که تعریف مال، مقید به مصادیق خاصی نشده است، بلکه تنها ملاک و معیار مال بودن اشیا را به دست داده‌اند، زیرا تعیین مصادیق به عرف واگذار می‌شود، کما این‌که تقسیم اموال به منقول و غیر منقول در زمان شارع مانند امروز مرسوم نبود، ولی شارع اکنون آن را پذیرفته است.

حال با عنایت به توضیحات مذکور در سطور فوق در باب تعریف مال، باید دید آیا اموال فکری که البته در بحث ما اموال فکری خاصه در حوزه ادبی - هنری مد نظر است مشمول این تعریف می‌شود؟

همان‌گونه که بیان شد برای مال محسوب‌نمودن یک شیء وجود دو عنصر ضروری است: اولاً آن شیء مورد رغبت و میل مردم باشد، یعنی به دلیل ارزشی که دارد مردم به آن تمایل داشته باشند؛ ثانیاً در برابر آن اشیای مورد علاقه، مردم ما به ازایی پرداخت نمایند. امروزه تردیدی در این وجود ندارد که کلیه حقوق مربوط به مالکیت فکری به جهت این‌که هم منفعت عقلایی دارند و دارای ارزش اقتصادی هستند و هم مردم در برابر آن حاضرند ما به ازای متناسب را پرداخت نمایند، مال محسوب می‌شوند، اگرچه در این خصوص بین فقهای شیعه اتفاق نظر وجود ندارد.

۲- بررسی شرعی بودن حقوق مالکیت فکری

در بحث پیشین تعریف فقها را از مال بیان کرده و نتیجه گرفتیم که بنابر تعریف آن‌ها با توجه به خصوصیات حقوق آثار فکری باید آن‌ها را هم مال محسوب نماییم، اینک به بررسی نظر فقهای شیعه راجع به شرعی بودن یا نبودن حقوق اموال فکری می‌پردازیم. در این خصوص باید گفت اساساً در بین فقهای امامیه در شرعی دانستن این حقوق اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای آن را شرعی می‌دانند و حقوق مترتب بر آن‌ها را به رسمیت می‌شناسند، ولی عده‌ای دیگر بنا بر ادله‌ای که ارائه می‌کنند آن را شرعی نمی‌دانند. فقهای مخالف حقوق مالکیت فکری که آن را غیر شرعی می‌دانند عمدتاً به دو دلیل استناد می‌کنند: اولاً تعارض با قاعده تسلیط: عده‌ای از فقهای عظام از جمله حضرت امام خمینی (ره) با استناد به این قاعده، به غیر شرعی بودن این حقوق حکم داده‌اند که بنابر نظر آن‌ها، وقتی شخصی مالی را شرعاً تصاحب می‌کند و مالک آن می‌شود حق همه‌گونه تصرفات و بهره‌برداری از آن را به عنوان مالک در مایملک خود باید داشته باشد و هرگونه منعی در بهره‌مندی از آن باعث قطع سلطه مالکانه او می‌شود. امام خمینی (ره) در جلد دوم تحریرالوسیله می‌فرماید: «الثالث: مایسمی عند بعض بحق الطبع لیس شرعياً فلا یجوز سلب تسلط الناس علی اموالهم بلا تعاقد و تشارط فمجرد طبع کتاب و التسجیل فیہ بان حق الطبع و التقليد و محفوظ لصاحبه، لا یوجب شیئاً و لایعد قراراً مع غیره، فجاز لغیره الطبع و التقليد و لایجوز لاحد منعه عن ذلک؛ آنچه معروف به حق طبع شده است حق شرعی به حساب نمی‌آید و نفی سلطه مردم بر اموالشان بدون این‌که هیچ‌گونه شرط و عقدی در میان باشد، جایز نیست. بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله «حق چاپ محفوظ است» فی نفسه حقی ایجاد نمی‌کند و دلالت بر التزام

دیگران نمی‌نماید. بنابراین دیگران می‌توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ کس نمی‌تواند مانع آن‌ها از این کار شود.» (خمینی، ۱۳۷۹ ش.)

البته در خصوص دیدگاه حضرت امام (ره) از یکسو گفته شده این فتوا در شرایطی خاص و در مورد چاپ کتاب اصول کافی صادر شده است، زیرا این کتاب که اثر مرحوم کلینی در قرن چهارم هجری است توسط ناشری به چاپ رسیده بود و اجازه نمی‌داد دیگران آن را چاپ کنند و قیمت آن را هم گران کرده بود و در چنین موقعیتی آن فتوا صادر شد. بنابراین اگر فضا درست ترسیم می‌شد و استفتا در آن فضا صورت می‌گرفت، نگاه‌ها هم مثبت می‌شد. از سوی دیگر، به نظر یکی از استادان مبرز فقه و حقوق (دکتر ابوالقاسم گرجی)، حضرت امام (ره) در سال‌ها بعد از نظر خود در تحریرالوسیله عدول کرده‌اند. (زرکلام، ۱۳۸۸ ش.) به هر تقدیر این قاعده (تسلیط) می‌تواند خود دلیلی بر مشروعیت این حقوق باشد، زیرا با توجه به اثبات مالیت آثار فکری، مالک آن می‌تواند دیگران را از هرگونه تقلید و کپی‌برداری منع کند؛ ثانیاً حقوق مالکیت فکری به امضای شارع نرسیده است: یکی دیگر از دلایل مخالفت بعضی از فقهای امامیه با این حقوق این است که مشروعیت حقوق یادشده، به امضای شارع نرسیده است، پس دلیلی برای جواز آن وجود ندارد. این دسته از فقها در پاسخ به این سؤال که اساساً این حقوق به مفهوم امروزی در زمان شارع وجود نداشته پس چگونه مورد قبول یا منع قرار می‌گرفت؟ پاسخ می‌دهند درست است که در آن زمان وجود نداشته و به همین دلیل مورد قبول یا منع قرار نگرفته، ولی از منع‌نکردن شارع نمی‌توان مشروعیت آن را استنباط کرد، زیرا مشروعیت امری در صورتی ثابت می‌شود که آن امر در زمان شارع وجود می‌داشت و شارع از آن منع نمی‌کرد در حالی که حقوق مالکیت فکری مختص امروز است و در زمان شارع وجود نداشته تا بفهمیم که مورد

امضای شارع قرار گرفته یا نه، پس نمی‌توان برای این حقوق مشروعیت قائل شد. صرف نظر از این که در اصل وجود این حقوق در زمان شارع البته نه به شکل کامل امروزی، تردید وجود دارد، لکن حتی در فرض معتقدین به نظریه عدم امضای شارع و عدم وجود این حقوق در زمان شارع، باید گفت مسائل مستحدثه زیادی که هم‌اکنون در جامعه مسلمین ساری و جاری است، مشروع تلقی می‌شود، زیرا بنای عقلا بر آن قرار گرفته و بدین ترتیب با توجه به تلازم عقل و شرع، مشروعیت این حقوق نیز خود به خود کشف می‌شود، اما موافقان حقوق مالکیت فکری نیز دلایل متعددی دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مفهوم عرفی مال (آیت... مکارم شیرازی)، عدم ردع (آیت... فاضل لنکرانی و محمد حسن مرعشی شوشتری)، ضرورت احترام به حقوق فردی (آیت... امامی کاشانی)، رفتار عقلا (آیت... موسوی بجنوردی)، قاعده لاضرر (آیت... شاهرودی) اشاره کرد. همچنین آیت... خامنه‌ای نیز در پاسخ به استعلامی بر شرعی و منطقی بودن این حق تصریح نمودند. (مجموعه قوانین وزارت ارشاد، ۱۳۸۹ ش.)

این نظر آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که از یک فقیهی که خود ولی فقیه زمان هم می‌باشد، صادر شده است، زیرا یکی از ادله موافقین مشروعیت این حقوق، همانا ولایت فقیه (حکم حکومتی) می‌باشد. اصل مترقی ولایت فقیه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته در بسیاری از امور گره از مشکلات مستحدثه باز نموده است. عدم نسخ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ که هم‌اکنون به عنوان یک قانون مهم در حوزه مالکیت ادبی و هنری حاکمیت دارد و تنفیذ آن از سوی شورای نگهبان، مصداق بارز همین اختیارات ولی فقیه است، البته حتی مخالفت اولیه حضرت امام (ره) با مشروعیت این حقوق، در چارچوب احکام اولیه و ثانویه قابل بحث است که

از حوصله این مقاله خارج است، ولی تذکر همین نکته لازم است که اجرای قانون حمایت در حوزه مالکیت ادبی - هنری در زمان حضرت امام (ره) بر مبنای احکام ثانویه قابل تفسیر است و «موضوع‌سازی عرف را می‌توان در تثبیت حقوق مؤلفان، مبتکران و هنرمندان نظاره کرد، عرف با اعتبار این حقوق زمینه اجرای لزوم احترام به این حقوق را - که حکم شرعی است - آماده می‌سازد.» (علیدوست، ۱۳۸۰ ش.)

اکنون با توجه به این که به نظر بسیاری از فقهای امامیه حقوق مالکیت فکری هم مالیت و هم مشروعیت دارد به پاسخ این سؤال می‌پردازیم که انتقال این حقوق به چه صورت است، یعنی آیا صاحب این حقوق می‌تواند آن را به دیگری منتقل کند؟ همان‌گونه که در مباحث پیشین بیان شد بحث از حقوق مالکیت فکری بحث از تولیدات فکر انسانی است، یعنی محصول تراوشات فکر انسان به صورت اثری متجلی می‌شود که مالیت دارد و مالیت‌داشتن هم بر اساس آنچه گفته شد آن است که مردم برای آن ارزش قائل بوده و به آن رغبت داشته باشند و برای آن ما به ازای پرداخت نمایند.

البته با توجه به تحول ثروت و مال، ممکن است که آنچه دیروز مال به حساب می‌آمد، امروز مال نباشد و آنچه امروز مال به حساب می‌آید دیروز مال شناخته نمی‌شد و اموال آینده هنوز ناشناخته‌اند، (عمید زنجانی، ۱۳۸۲ ش.) ولی امروزه در مالیت‌داشتن این حقوق تقریباً تردیدی وجود ندارد، از طرفی با اثبات مالیت‌داشتن این حقوق، خالق آثار ادبی هنری در درجه اول به طور طبیعی باید مالک آن محسوب شود و کسی که مالک شیء است باید حق داشته باشد آن را منتقل کند و این مهم‌ترین اختیاری است که صاحبان آثار می‌توانند داشته باشند و این قابلیت انتقال در درجه اول حقی است منحصر به فرد برای پدیدآورنده که فقط آن‌ها می‌توانند از آن استفاده نمایند و بر اساس این حق، می‌توانند اشخاص غیر را

در استفاده از آن منع نمایند. به طور طبیعی بسیاری از پدیدآورندگان آثار ادبی - هنری که شرعاً مالک آثار خود محسوب می‌شوند، امکان نشر، پخش و استفاده شخصی از آثار خود را ندارند. پس برای فراهم کردن این امکان می‌توانند تمام یا بخشی از حقوق خود را واگذار نمایند و سایر افراد نیز برای استفاده از آثار پدیدآورندگان ناچارند آن‌ها را از مالک خریداری نمایند. در همه این موارد انتقال، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. البته انگیزه‌های انتقال اموال فکری تنها به آنچه گفتیم محدود نمی‌شود، بلکه امروزه دلایل دیگری نیز برای انتقال وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها، انگیزه‌های اقتصادی و کسب درآمد است.

ج - انتقال حقوق مالکیت ادبی - هنری در حقوق ایران

در این قسمت به انتقال و واگذاری حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران پرداخته می‌شود. در حال حاضر در حقوق ایران اساساً در مورد کیفیت انتقال حقوق مالکیت ادبی و هنری هیچ مقرره‌ای ذکر نگردیده و هیچ شکل و قالبی ارائه نشده است و فقط در ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، صرفاً به قابل انتقال و واگذار بودن حقوق مالکیت ادبی - هنری اشاره شده است. به عبارتی دیگر قانون‌گذار تنها اصل انتقال را پذیرفته است که البته این انتقال دارای محدودیت زمانی نیز می‌باشد.

قبل از ورود به بحث انتقال از منظر حقوق ایران، دو نکته را نباید از نظر دور داشت: اولاً مفهوم انتقال در رابطه با حقوق مالکیت ادبی - هنری و به طور کلی حقوق مالکیت فکری با انتقال سایر اموال متفاوت است و این تفاوت هم در آثار و تبعات و هم در قلمرو، تجلی پیدا می‌کند، زیرا منتقل‌آلیه مالکیت فکری برخلاف دیگر اشکال انتقال، حق همه‌گونه تصرفات از جمله تصرفاتی که موجبات صدمه

به حق نام و حرمت اثر را فراهم می‌نماید، ندارد و همچنین این انتقال محدود به مدت زمان مشخص است، به طوری که در انتقال حقوق مالکیت فکری رابطه مالک با آنچه که به یکی از صور انتقال، منتقل کرده است، از بین نرفته و این رابطه کاملاً قطع نمی‌شود؛ ثانیاً حقوق ناشی از مالکیت فکری به طور اعم و مالکیت ادبی - هنری به طور اخص به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

در تعریف این دو نوع حقوق که از آن به حقوق اقتصادی به جای حقوق مادی و حقوق اخلاقی به جای حقوق معنوی نیز نام برده شده است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶ ش.) باید گفت حقوق مادی یا اقتصادی ناظر به استفاده اقتصادی خالق اثر از آثار فکری خود می‌باشد، البته این حق انحصاری بهره‌برداری برای مدت معینی بوده و در حقوق مالکیت ادبی و هنری شامل حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص، حق استفاده از پاداش، جایزه و بالاخره حق عرضه و اجرا می‌باشد.

اما در خصوص حقوق معنوی که در حوزه ادبی - هنری برخلاف حوزه مالکیت صنعتی، بسیار پررنگ و برجسته است، اگرچه در قوانین و مقررات ایران تعریفی از آن ارائه نشده، ولی با توجه به مصادیقی نظیر حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده، حق افشای اثر و حق احترام به اثر، می‌توان در تعریف آن گفت حقوق معنوی در حقیقت مبین شخصیت خالق اثر است، یعنی تمامی افکار، سلیق، استعدادها و گرایش‌های فکری و ذهنی پدیدآورنده در اثر وی متجلی می‌شود و حمایت از حقوق معنوی خالق اثر، یعنی حمایت از شخصیت او و نه منافع مادی وی و البته به همین دلیل حقوق معنوی، قابل نقل و انتقال نیز نمی‌باشد و قائم به شخص خود ایجادکننده اثر است. پس نتیجه این‌که تنها حقوق مادی است که قابل نقل و انتقال می‌باشد، بدین ترتیب پدیدآورنده و دارنده حقوق مالکیت ادبی - هنری می‌تواند تمام یا بخشی از حقوق مادی خود را به دیگران واگذار نماید. واگذاری

بخش یا تمام اثر، در ادبیات حقوق مالکیت ادبی هنری تعاریف متفاوتی دارد. «زمانی که تمام حقوق کپی‌رایت بدون قید و شرط منتقل می‌گردد، از آن به عنوان انتقال یا واگذاری یاد می‌شود، اما هنگامی که فقط بخشی از حقوق از طریق اجازه بهره‌برداری واگذار می‌شود، به آن پروانه بهره‌برداری می‌گویند.» (خدمتگزار، ۱۳۹۰ ش). فارغ از این تعاریف در این مقاله انتقال حقوق مادی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری به طور اعم مد نظر بوده و به معنای واگذاری تمام یا بخشی از حقوق مادی وی به دیگری است.

اولین گام برای تحقق امکان انتقال حقوق پدیدآورنده، خلق اثر است. بدین معنا که فکر و ایده شخص به بیان و نمود عینی تبدیل شده و در قالب حروف، تصویر، رنگ، شکل و... ارائه گردد. در قانون ایران راه دیگری نیز علاوه بر خلق اثر، برای حمایت از اثر وجود دارد. بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد.» بر این اساس، مطابق ماده ۱ قانون مزبور، اثر فارغ از طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و ایجاد آن به کار گرفته شده، مورد شناسایی قرار می‌گیرد و مطابق ماده ۲۲ لازم است اثر برای نخستین بار در ایران، چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد. بدین ترتیب ممکن است تصور شود که سبب تملک آثار ادبی - هنری در ایران چاپ، پخش، انتشار یا اجرای اثر در ایران است، اما از مجموع مواد ۱، ۲ و ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و به خصوص از سیاق عبارت ماده ۲۲ چنین برمی‌آید که سبب مملک آثار ادبی، خلق و پدیدآوردن آن‌ها است و چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر، شرط تأثیر سبب است.

د - راه‌های انتقال حقوق مالکیت ادبی - هنری

نقل و انتقال حقوق مالکیت ادبی - هنری را می‌توان در دو شیوه ارادی و غیر ارادی (قهری) جستجو نمود.

۱- انتقال ارادی حقوق مالکیت ادبی - هنری

انتقال حقوق پدیدآورنده علاوه بر خدمتی که برای دسترسی عموم به اطلاعات و محتویات آثار در جامعه می‌نماید یکی از مهم‌ترین روش‌های معمول تحصیل درآمد برای پدیدآورنده است. خصوصیت آثار ادبی - هنری، گستره منافع و مالیت داشتن آن‌ها و از سوی دیگر شرایط خاص انتقال حقوق مادی و حفظ مالکیت بر اثر و حقوق معنوی آن، امکان استفاده از قراردادهای مشمول موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی یا قالب‌های قراردادی مصرح در قانون اخیرالذکر که به عقود معین معروف می‌باشند را به مالک حقوق مادی اثر اعطا نموده است. همان‌گونه که گفته شد انتقال ارادی این حقوق به صور گوناگون می‌تواند تجلی پیدا کند که در ادامه دو صورت آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱-۱- انتقال حقوق مادی آثار ادبی - هنری با استفاده از عقود معین: انتقال اموال از طریق عقود معین همواره یکی از رایج‌ترین روش‌های انتقال بوده و از قدیم‌الایام احکام و آثار این عقود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. «در این‌گونه قراردادها، که به دلیل اهمیت اجتماعی و اقتصادی خود از دیرباز مورد توجه قانون‌گذاران بوده است، قالب بیان اراده از پیش فراهم آمده و همه امور به حاکمیت اراده دو طرف عقد واگذار نشده است، آنان نیازی به پیش‌بینی تمام حقوق و تکالیف ناشی از پیمان ندارند، زیرا قانون این مهم را به گردن گرفته است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶ ش.)

۱-۱-۱- عقد بیع: در تعریف بیع، قانون مدنی ایران آن را «تملیک عین به عوض معلوم» تعبیر نموده است. بنابراین به لحاظ حق مالی و عینی بودن اثر ادبی - هنری، مالیت و منفعت عقلایی داشتن آن در کنار ویژگی‌های خاص دیگری که بعضی اموال ادبی و هنری دارند می‌توان آن‌ها را در قالب عقد بیع منتقل نمود و آثاری که بیع اموال مادی دارا می‌باشد بر فروش اموال ادبی و هنری نیز مترتب نمود. حال با توجه به این که اصولاً آنچه که در گذشته به عنوان مبیع محسوب می‌گردید، اموال عینی بوده، باید دید در عصر ما با گونه‌ای جدید از اموال، مانند اموال فکری که خصوصیات اموال عینی سابق را ندارند چه برخوردی می‌شود؟ آیا آن‌ها قابل انتقال از طریق بیع هستند؟

در پاسخ گفته شده «در مالیت این گونه کالاهای نوظهور عصر ما، تردید نمی‌توان داشت، زیرا در هر حال دارای ارزش اقتصادی در جامعه است چه این که مطابق تعریف روشن، مال چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد، اما این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا این اموال را می‌توان از مصادیق اموال عینی نظیر خانه، خودرو دانست؟ و احکام قانونی مربوط به اعیان را نسبت به آن جاری نمود؟ یا این که از گونه اموال دیگر، نظیر منفعت یا عمل یا حق است؟ مثلاً آیا می‌توان این گونه مال را مبیع قرارداد یا خیر؟ در پاسخ به نظر می‌رسد که این گونه اموال را باید در ردیف اموال عینی به شمار آورد و احکام قانونی این اموال را نسبت به آن ثابت دانست.» (شهیدی، ۱۳۹۱ ش.) اما در خصوص این بیان که «تسلیم مبیع هم با قطع استفاده از سوی مالک و تسلیم اسناد و سوابق مربوط (حسب مورد) به خریدار به نحوی که متمکن از انحصار تصرفات و انتفاعات باشد (ماده ۳۶۷ قانون مدنی) محقق می‌شود.» (شهیدی، ۱۳۹۱ ش.) لازم است توضیح داده شود که با توجه به خصوصیت اموال فکری به ویژه در حوزه ادبی و هنری که حقوق معنوی در آن از

سایر اموال فکری پررنگ‌تر و برجسته‌تر است، نمی‌توان تسلیم این دسته از اموال را کاملاً با ماده ۳۶۷ قانون مدنی منطبق دانست، زیرا فروش این اموال همیشه امکان انحصاری تصرفات برای خریدار را فراهم نخواهد کرد و خریدار ممنوع از تصرفاتی است که منافعی حق خالق اثر می‌باشد. همچنین خریدار محدودیت زمانی در استفاده از اثر خریداری شده را دارد و به همین دلیل شائبه عدم امکان فروش این دسته از اموال به وجود آمده است. البته می‌توان این محدودیت‌ها و تفاوت‌ها را با شروط ضمن عقد حل کرد که تفصیل آن از حوصله این مقاله خارج است، اما در خصوص کیفیت تسلیم به صورت خیلی مختصر می‌توان گفت، ماده ۳۶۹ قانون مدنی که اشعار می‌دارد «... تسلیم به اختلاف مبیع به کیفیات مختلفه است و باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند.» راهگشا است.

۲-۱-۱- عقد معاوضه: در حقوق ما، تفاوت بین عقد بیع و معاوضه تنها در شکل و قالب آن‌ها است، یعنی در عقد معاوضه، وقتی که عوضین دارای ما به ازای عقلایی بوده و مالیت داشته باشند، می‌توانند موضوع عقد معاوضه قرار بگیرند. بنابراین اموال ادبی و هنری نیز که به عنوان شاخه‌ای از اموال فکری دارای مالیت می‌باشند، می‌توانند مورد معاوضه قرار گیرند. در بعضی از کشورها مثل فرانسه اگر عوض جنس باشد عقد، معاوضه و اگر وجه نقد باشد بیع است، لیکن در کشور ما این محدودیت وجود ندارد و هر دو عوض می‌توانند اموال فکری باشند و عقد معاوضه در این صورت صحیح است.

۳-۱-۱- عقد اجاره: بی‌تردید پس از عقد بیع در میان عقود معین عقد اجاره یکی از رایج‌ترین عقود است که استفاده از آن در بین مردم متداول است که البته مباحث وسیع و ظریفی را نیز به خود اختصاص داده است. در تعریف عقد اجاره، ماده ۴۶۶ قانون مدنی اشعار می‌دارد «اجاره عقدی است که به موجب آن

مستأجر مالک منافع عین مستاجر می‌شود.» همان‌گونه که در تعریف بیع گفته شد «تملیک عین به عوض معلوم» در تعریف اجاره نیز باید گفت «تملیک منفعت به عوض معلوم است»، با این شرط که بر اساس ماده ۴۷۱ قانون مدنی برای صحت عقد اجاره، لازم است عین مستاجر از اموالی باشد که بتوان با بقای عین آن، از آن استفاده کرد و در صورتی که بقای عین در مدت اجاره مخدوش شود اجاره صحیح نیست. با نگاهی به آنچه که درباره خصوصیات اموال فکری گفته شد، ملاحظه می‌گردد که این شرط در مورد اموال ادبی و هنری نیز صدق می‌نماید. بنابراین در مدتی که مال فکری در اجاره مستأجر است مالک یا موجر، حق استفاده از اثر اجاره داده شده را نخواهد داشت، ولی «اگر مالک قصد حفظ مالکیت خود بر منفعت و بهره‌برداری شخصی یا واگذاری اجازه بهره‌برداری به اشخاص دیگر را هم داشته باشد می‌تواند از عقد انتفاع استفاده کند» (جعفرزاده، ۱۳۸۶ ش.) زیرا «تفاوت عمده عقد انتفاع با عقد اجاره در این است که در عقد انتفاع برخلاف اجاره، مالک می‌تواند هر گونه تصرفی که منافات با حق انتفاع نداشته باشد در عین ملک خود انجام دهد.» (امامی، ۱۳۹۰ ش.) اتفاقاً حق انتفاع با توجه به اوصاف و شرایط اموال فکری شاید بهترین گزینه نزدیک به مقصود صاحب اثر یا مالک اثر باشد و به همین دلیل می‌توان گفت در فرضی که صاحب اثر می‌خواهد ضمن امکان استفاده دیگری از منفعت اثر، خود نیز از اثر خویش بهره‌مند باشد باید از عقد انتفاع استفاده نماید.

۴-۱-۱- عقد صلح: عقد صلح به ام‌العقود مشهور است، زیرا بدون این که نیاز به شرایط پیچیده و ثابت عقود داشته باشد، نتیجه همه آن‌ها را دربر دارد، هر چند برخی از فقهای امامیه در تعریف خود از عقد صلح، آن را برای رفع خصومت تعریف نموده‌اند، ولی در فقه امامیه، عقد صلح صرفاً برای رفع تنازع نیست و برای

تحقق صلح از دیدگاه امامیه لزومی به وجود اختلاف نیست، بلکه می‌تواند وسیله انجام معامله نیز واقع شود. ماده ۷۵۲ قانون مدنی نیز به تبعیت از نظر مشهور فقهای امامیه، صلح را این‌گونه تعریف نموده است: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود.» بنابر آنچه گفته شد می‌توان از طریق عقد صلح نیز نسبت به انتقال اموال فکری اقدام کرد، زیرا عقد صلح تنها یک قالب (شکل) است که مفاد همه عقود می‌تواند در این قالب و شکل پیاده شده و منعقد گردد.

۵-۱-۱- سایر عقود معین: از آنجا که در برخی از عقود، مانند وقف، هبه، رهن و حق انتفاع، قبض شرط صحت عقد است و با توجه به این‌که قبض عبارت از استیلائی مشتری بر مبیع تعریف شده است (ماده ۳۶۷ قانون مدنی) و این استیلا می‌تواند استیلائی عرفی بر مال باشد، (کاتوزیان، ۱۳۸۳ ش.) فلذا برای این‌که قبض محقق شود لازم نیست که مشتری به صورت فیزیکی مال ادبی - هنری را به تصرف بگیرد، بلکه امکان انتفاع عملی و تسلط قانونی او بر این‌گونه اموال را می‌توان قبض تلقی کرد و از این رو می‌توان کاربرد عقود مذکور در اموال ادبی و هنری را نیز امکان‌پذیر دانست.

اما در این میان جایگاه عقود همچون ودیعه و قرض که خاص اموال مادی هستند در ارتباط با اموال فکری منتفی می‌باشد، زیرا در مورد عقد ودیعه و لزوم «نگاهداری» مال و ملازمه آن با مادی بودن مال امکان کاربرد آن در مورد اموال ادبی و هنری متصور نبوده و عقد قرض نیز به لحاظ امکان اعمال آن بر اموال مثلی (مواد ۶۴۸ و ۶۵۰ قانون مدنی)، در اموال ادبی و هنری کارایی ندارد.

۲-۱- انتقال حقوق مادی مالکیت ادبی - هنری بر اساس ماده ۱۰ قانون

مدنی: با توجه به مکانیسم پیچیده انعقاد قرارداد مربوط به حقوق مالکیت فکری

و با وجود قالب‌های قراردادی متعدد مرتبط با قراردادهای مالکیت ادبی و هنری نظیر قرارداد انتشار، قرارداد نمایش، قرارداد تولید آثار صوتی - تصویری، قرارداد سفارش، قراردادهای مرتبط با نرم‌افزار و با توجه به این که در بسیاری از موارد طرف‌های قرارداد قصد مشترک به متعهدنمودن خود در قالب‌های عقود معین در حقوق داخلی ندارند و یا معاملات آن‌ها با هیچ یک از اشکال عقود معین هماهنگی ندارد، اصل آزادی قراردادهای مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی بسیار کارساز است. این ماده مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

قبل از تصویب ماده ۱۰ قانون مدنی، مشروع دانستن قراردادهای خارج از چارچوب عقود معین محل اشکال بود و هدف از وضع ماده ۱۰ این بود که در مورد اجمال و سکوت قانون، اراده متعاملین محترم شمرده شود و از این لحاظ، بین عقود معین و سایر قراردادهای هیچ تفاوتی نباشد. اصل آزادی قراردادی در فقه پویای شیعه نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. فقها با استفاده از عموم «اوفو بالعقود» (ماده: ۱) درصددند که دامنه لزوم عقود را از عقود معین به سایر قراردادهای تسری دهند.

با وصف فوق و ویژگی که اموال ادبی و هنری از حیث حفظ مالکیت صاحب اثر و انتقال برخی حقوق دارند و با توجه به اصل سرزمینی بودن مقررات حقوق مالکیت فکری، بهره‌گیری از قراردادهای نامعین موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی را در حقوق ایران اقتضا می‌نماید.

۲- انتقال قهری حقوق مالکیت ادبی - هنری

امروزه انتقال قهری اموال، یکی از بارزترین طرق انتقال مالکیت است. این وسیله انتقال که کاملاً غیر ارادی و به صورت قهری می‌باشد در اموال فکری نیز همچون ضبط اموال و ارث از دیگر راه‌های قابل انتقال می‌باشد. در این میان ارث

یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال مالکیت این دست از اموال محسوب می‌شود. در این رابطه تشابه بسیاری میان اموال مادی و غیر مادی وجود دارد و صرفاً محدودیت‌های زمانی که در قانون برای این دست از انتقال پیش‌بینی شده است، نقطه تمایز اموال ادبی و هنری با سایر اموال است.

ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ورثه یا موصی‌له را تا سی سال بعد از مرگ پدیدآورنده مجاز به استفاده از آثار ادبی و هنری منتقل شده می‌داند که البته این مدت اخیراً بر اساس اصلاحیه سال ۱۳۸۹ به پنجاه سال افزایش یافته است.

در سال‌های اخیر به دلیل لزوم بروزرسانی قوانین و مقررات این حوزه و رفع برخی کاستی‌ها و نارسایی‌های قوانین سابق، پیش‌نویس لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط تهیه و آماده طرح در مجلس شورای اسلامی شده است. با توجه به حضور نگارنده در جلسات تهیه و تصویب این لایحه در کمیسیون‌های فرعی و اصلی لوایح دولت، ذیلاً به صورت اجمالی به بررسی تطبیقی مقررات انتقال حقوق مادی قانون سال ۱۳۴۸ و لایحه پیشنهادی پرداخته می‌شود.

ماده ۵ قانون حمایت مصوب ۱۳۴۸، صراحتاً به قابلیت واگذاری حقوق مادی مترتب بر آثار ادبی و هنری می‌پردازد. این ماده مقرر می‌دارد «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید...». این موضوع در ماده ۴۳ لایحه پیشنهادی به نحو کامل‌تری عنوان شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «دارنده حقوق مادی اثر می‌تواند تمام یا بخشی از حقوق مادی اثر خود را در قالب قرارداد به غیر واگذار کند یا مجوز بهره‌برداری انحصاری یا غیر انحصاری از تمام یا بخشی از آن را بدهد. این قرارداد شامل واگذاری یا اعطای مجوز بهره‌برداری از هر حقی که به

طور صریح در آن ذکر شده است خواهد بود.» تبصره ذیل این ماده به جزئیات مفاد قراردادهای واگذاری پرداخته و آن را مشتمل بر «نوع، شیوه، مدت، مکان و هدف» دانسته است.

مدت زمان ممکن برای واگذاری حقوق مادی در قانون و پیش‌نویس لایحه با محدودیت مواجه شده است، البته با این تفاوت که طبق ماده ۱۴ قانون ۱۳۴۸، «انتقال‌گیرنده حق پدیدآورنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند، مگر این‌که برای مدت کم‌تر توافق شده باشد.» این در حالی است که این مدت در لایحه طبق ماده ۴۶، حداکثر ده سال است. نکته دیگر در خصوص قراردادهای واگذاری، اشاره به کتبی بودن آن‌ها طبق ماده ۴۴ لایحه پیشنهادی است، در حالی که در قانون ۱۳۴۸ در خصوص این موضوع مقرره‌ای وجود ندارد. مقررات تکمیلی پیش‌بینی شده در لایحه مذکور، تفکیک واگذاری اصل یا نسخه اثر از واگذاری حقوق مادی است. به عبارت دیگر واگذاری اصل یا نسخه اثر از طریق فروش، هبه، اجاره و... واگذاری حقوق مادی مترتب بر آن اثر محسوب نمی‌گردد. در مجموع می‌توان گفت که این لایحه درصدد تکمیل مقررات واگذاری حقوق مادی آثار ادبی و هنری برآمده و زمینه شفافیت و جلوگیری از بروز اختلافات ناشی از سکوت قوانین را فراهم خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

در خصوص حقوق مالکیت فکری به طور اعم و حقوق مالکیت ادبی و هنری به طور اخص، مطالب زیادی در قالب مقالات، کتب و سایر عناوین، چاپ و منتشر شده است، اما این مقاله با پرداختن به بحث انتقال حقوق مالکیت ادبی و هنری یا همان حق مؤلف، کیفیت و مشروعیت آن را در فقه و حقوق ایران مورد بحث و بررسی قرار داده است، زیرا اولاً بحث مالکیت فکری از ابتدا در حوزه مالکیت ادبی - هنری متجلی گردید، چون طرح موضوع مالکیت فکری در فقه از اثر نوشته و مکتوب آغاز شد؛ ثانیاً با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که بر حقوق مالکیت ادبی و هنری مترتب است نظر فقها در خصوص این حقوق بررسی و با تجزیه و تحلیل آرای موافقین و مخالفین بر مشروعیت این حقوق صحه گذاشته شد و بیان گردید که از منظر فقه امامیه حقوق مالکیت ادبی و هنری مال شناخته می‌شود، لذا با توجه به مالیت‌داشتن آن‌ها، باید آن‌ها را قابل انتقال دانست. سپس به بیان وضعیت انتقال این حقوق در سیستم حقوقی ایران پرداخته شد و با تشریح مواد قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ در مورد انتقال و دیگر قوانین مربوط با توجه به گسترش خارق‌العاده این حقوق، ناکافی دانسته شد و بر ضرورت وضع قوانین جدید تأکید گردید و در نهایت با اشاره به پیش‌نویس لایحه جدید حقوق مالکیت ادبی - هنری که نگارنده خود در تنظیم آن نقش داشته، قانون حاکم و لایحه جدید در مبحث انتقال مورد مقایسه قرار گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

امامی، سیدحسن. (۱۳۹۰ ش.). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی، جلد اول، چاپ سی و دوم، صص ۳۳، ۸۰.

جعفرزاده، میرقاسم. (۱۳۸۶ ش.). *تقریرات درس مالکیت فکری در تجارت بین الملل*. دوره کارشناسی ارشد مالکیت فکری دانشکده شهید بهشتی، ص ۱۵۱.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۳ ش.). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: بنیاد استاد، صص ۲۲۸-۲۲۷.

جمالی، جمال‌الدین. (۱۳۵۳ ش.). قواعد فقه اسلامی. *نشریه کانون*. دوره اول، شماره صد و هفتاد و یکم، صص ۸۱-۸۲.

حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶ ش.). *مبانی مالکیت فکری*. تهران: سمت، چاپ اول، ص ۴۶.

خدمتگزار، محسن. (۱۳۹۰ ش.). *فلسفه مالکیت فکری*. تهران: نشر میزان، چاپ اول، ص ۲۰۸.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸ ش.). *کتاب البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد اول، چاپ چهارم، ص ۲۰.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹ ش.). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، جلد دوم، چاپ اول، ص ۵۹۶.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۷ ق.). *مصباح الفقاهه*. بیروت: دارالهادی، جلد دوم، صص ۳۰۲-۳۰۱.

رئسی، لیلا. (۱۳۸۸ ش.). *نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی*. تهران: انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول، ص ۵.

زرکلام، ستار. (۱۳۸۸ ش.). *حقوق مالکیت ادبی - هنری*. تهران: انتشارات سمت، صص ۵، ۲۳.

شهیدی، مهدی. (۱۳۹۱ ش.). *عقود معین، حقوق مدنی*. تهران: انتشارات مجد، چاپ پانزدهم، صص ۱۴-۱۵.

صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۰ ش.). دوره *مقدماتی حقوق مدنی*. تهران: انتشارات میزان، جلد اول، چاپ سیزدهم، ص ۲۲۷.

علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۰ ش.). *فقه و عرف*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ص ۳۱۰.

عمید زنجانی، عباس‌علی. (۱۳۸۲ ش.). *موجبات ضمان، در آمدی بر مسؤولیت مدنی و اسباب و آثار آن*. تهران: انتشارات میزان، ص ۲۲۷.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶ ش.). *حقوق مدنی، دوره عقود معین*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ص ۱.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳ ش.). *اموال و مالکیت*. تهران: نشر میزان، چاپ هشتم، صص ۲۳-۲۴، ۲۰۸.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۹ ش.). *مجموعه قوانین*. تهران: انتشارات وزارت ارشاد، ص ۵.

یادداشت شناسه مؤلفان

علی‌اکبر ایزدی‌فرد: استاد فقه و حقوق دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

احمدعلی محسن‌زاده: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: ahmad.mohsenzadeh@gmail.com

**Transfer of Intellectual Property Rights in Copyright from
Iranian Law and Imamia Jurisprudence's Point of View**

Ali Akbar Izadifard

Ahmad Ali Mohsenzadeh

Abstract

Having considered the debate on intellectual property law from Islamic jurisprudence, we can see that the discussion about intellectual property has begun from the rights arising from written materials including books. However, the transfer of such rights has been challenged. On this basis, this article tries to examine and analyze the transfer of intellectual property rights in copyright context from Iranian Laws and Shiite Jurisprudence's point of view.

Keywords

Intellectual Property, Transfer of Copyright, Legitimization